



۱ در کدام ترکیب‌ها نادرستی املائی هست؟

- (۱) حفظ اشعار و مطالب، مجالس شعرا  
(۲) قصیده و غزل، هیاهوی کلاغ‌ها  
(۳) قلک ذهن، نگاه تأسّف‌بار  
(۴) هلهله و شادی، جحل و نادانی

۲ مفهومی مشابه بیت زیر را در بیت گزینه ..... می‌توان یافت.

"به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است  
به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست"

- (۱) ز تلخ یار شیرین لب نشاید رخ ترش کردن  
(درد)  
(۲) فراغی گر همی‌خواهی، چراغی از وفا بر کن  
(زیبا)  
(۳) چو دژ وصل می‌جویی در صحبت ببند اول  
(۴) اگر گوش تو می‌خواهد نوای خسروانی‌ها
- گرت جام شفا بخشند و گر کاس الم، در کش (کاس الم: پیاله)  
به باغ آن پری نه روی و داغ آن صنم در کش (صنم: بت، معشوق)  
پس آنگه کشتی حاجت به دریای کرم در کش (در: مروارید)  
به بزم اوحدی آی و شراب از جام جم در کش (اوحدی: نام شاعر)

۳ بیت کدام گزینه با بیت "محال است سعدی که راه صفا

توان رفت جز بر پی مصطفی" قرابت معنایی دارد؟

- (۱) از شرّ نفس و فتنه خلقش نگاه‌دار  
(۲) خلاف پیمبر کسی ره گزید  
(۳) ایشان پیمبران و رفیقانند  
(۴) بر فرق کائنات چرا پا نمی‌نهم؟
- یارب به حق سیرت پاک پیمبران  
که هرگز به منزل نخواهد رسید  
چون دشمنی تو بیهده ترسا را؟  
آخر نه خاک پای عزیز پیمبرم؟

۴ به واژه‌های "ماه" و "دل" در بیت زیر، به ترتیب کدام نقش‌های دستوری را می‌توان نسبت داد؟

"ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد  
دل رمیده ما را انیس و مونس شد"

- (۱) نهاد، مضاف‌الیه  
(۲) نهاد، متمم  
(۳) مسند، مفعول  
(۴) مسند، متمم

مفهوم بیت زیر را در کدام بیت می‌توان یافت؟  
"به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است"

- ۱) ز وجود خود ملولم قدحی بیار ساقی
- ۲) من از آن نیم که چون نی اگرم زنی بنالم
- ۳) به خدا که خون رز را به دو عالم ار فروشیم
- ۴) همه شب خیال رویت گذرد به چشم سلمان

کدام بیت با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟  
"به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است"

- ۱) مهری است کهن، در دل و جان من و آن مهر
- ۲) گو تیر بلا بار که من سهم (ترس) ندارم
- ۳) من بعد برآنیم که گرد در خمّار (می‌فروش) گردیم و نگردیم، از این مذهب و عادت
- ۴) بی‌فایده سلمان چه کنی سعی و تکاپوی؟

مفهوم کدام بیت از سایر ابیات دور است؟

- ۱) برفتند و هرکس درود آنچه کشت
- ۲) جز نام نیک و زشت، نماند ز کارها
- ۳) سرافراز صدرا تو خود نیک دانی
- ۴) شاها تویی که هرکه تو را نیکنام خواست

نماند به جز نام نیکو و زشت

جز نیکوی مکن که جهان نیست پایدار

به جز نام نیکو نماند ز آدم

او را خدای در دو جهان نیکنام کرد

کدام بیت با بیت زیر قرابت معنایی دارد؟  
"به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است"

- ۱) مرا نصیحت دانا به عقل باز نیارد
- ۲) اگر ز شست تو باشد بزن خدنگ ز ره سم
- ۳) نوای نغمه‌ خواجه شنو به گاه صبحی
- ۴) اگرچه هیچ وسیلت به حضرت تو ندارم

که اقتضای جنون می‌کند ملامت عاقل

وگر ز دست تو باشد بیار زهر هلاهل

چنانکه وقت سحر در چمن خروش عنادل

هوای روی توأم هست بهترین وسائل

در بیت زیر چند صفت بیانی هست؟  
"اگر به زلف دراز تو دست ما نرسد"

گناه بخت پریشان و دست کوتاه ماست"

- |          |           |
|----------|-----------|
| ۱) یکی   | ۲) دوتا   |
| ۳) سه‌تا | ۴) چهارتا |

- (۱) عینک نزدیک‌بین معلّم: عینک  
(۲) نمکدان گران‌قیمت قدیمی: نمکدان  
(۳) سال‌های دوری: دوری  
(۴) چه خیابان شلوغی: خیابان

- (۱) لحظه‌ای مکث، لِحجّه خاص  
(۲) قصیده و غزل، فلسفه و حکمت  
(۳) استعداد بی‌نظیر، هیاهوی کلاغ‌ها  
(۴) کاغذ ذهن، طراوت و سرسبزی

"سرو سرافراز من، سایه ز من برنگیر  
ماه جهان‌تاب من، چهره ز من برمتاب"

- (۱) یکی  
(۲) دوتا  
(۳) سه‌تا  
(۴) چهارتا

"به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است  
به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست"

- (۱) ما را به سراپرده قربت که دهد راه؟  
(۲) روی از تو نیچم و گر از شست تو آید  
(۳) بیرون نرود یک سر مو از دل خواجه  
(۴) فریاد که دستم نگرفتند و به یکبار  
بر صدر سلاطین نتوان یافت گدا را  
همچون مژه در دیده کشم تیغ بلا را  
نقش خط و رخسار تو لیلًا و نهارا  
از پای فکندند من بی سر و پا را

"به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است  
به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست"

- (۱) مرغ پرنده اگر در قفسی پیر شود  
(۲) من دعا گویم اگر تو همه دشنام دهی  
(۳) مطرب ما را دردی است که خوش می‌نالد  
(۴) بارها در دلم آمد که بیوشم غم عشق  
همچنان طبع فرامش نکنند پروازش  
بنده خدمت بکنند ورنکنند اعزازش  
مرغ عاشق طرب‌انگیز بود آوازش  
آبگینه نتواند که بیوشد رازش

- (۱) هوش و زکاوت امیر  
(۲) جهل و نادانی و خرافات  
(۳) صدای رسا خطاب به همه  
(۴) مرگ در ماه صفر

"به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است  
به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست"

- (۱) هرچه بینی سود خود زان می‌گریز زهر نوش و آب حیوان را بریز  
(۲) حکم هر نیک و بد که در دهر است زهر در نوش و نوش در زهر است  
(۳) خوش بنوشم تو اگر زهر نهی در جامم پخته و خام تو را گر نپذیرم خامم  
(۴) چو مستم کرده‌ای مستور منشین چو نوشم داده‌ای زهرم منوشان

- (۱) قلک ذهن (۲) مجالس شعرا  
(۳) گوهر شکر (۴) رخس پندار

(۱) تویی که چشم جهانیان را به خیرگی خواهی کشاند و تیرگی ناخویشتن‌شناسی و ازخودبیگانگی را خواهی زدود. خود را خوار مدار!

(۲) به قدر فهم مستمعان می‌گویم و بی‌موقع نمی‌گویم. در دل من بغض و کینه و حسد مسلمانان نیست و در ذکر حق هستم تا به خواب روم.

(۳) وزیر پای به گودال جولاهگان فرومی‌کرد تا هر روز زندگی گذشته خود را به یاد آورد و به غلط نیفتد.

(۴) مسئول جهل مردم، ما هستیم که با صدای رثا خطاب به آنان نمی‌گوییم چگونه جهل و خرافات را کنار بگذارند.

- (۱) نظامی در آرایش صحنه‌های شعرش بی‌نظیر است. از او شعر زیاد بخوان.  
(۲) با کنجکاوای به دهان معلّم چشم دوخته و با تمام وجود غرق در جاذبه‌های شعر است.  
(۳) از خداوند می‌خواهم به من در راهی که انتخاب کرده‌ام، همّت بلند عطا کند.  
(۴) پس از زیارت حرم حضرت معصومه، بازهم شوق خواندن و عطش مطالعه در او زنده شد.

"به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست  
به حلاوت بخورم زهر که شاهد ساقی است  
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست  
به ارادت بکشم درد که درمان هم از اوست"

- (۱) تا کی ز فراق تو نهم بر سر غم غم تا چند به دل غصه نشیند به سر هم  
(۲) ای صیقلی اشک بیا تا بزداایم این زنگ که از سینه به هم آمده از غم  
(۳) ای بلبل همدرد دمی گوش فرادار من هم بسرایم بود این غم شودم کم  
(۴) نی نی نکنم از غم هجر تو شکایت از دوست چه آید همه شادایست نه غم غم